



10.48315/QGL.2025.505487.1193

فصلنامه «حقوق و دولت»، سال پنجم، شماره چهارم (پیاپی ۱۸)، زمستان ۱۴۰۳، صص. ۱۸۰-۱۵۳

ارزیابی تأثیر مداخلات نظام عدالت کیفری بر زنجیره تأمین و قاچاق فرآورده‌ها و مشتقات نفتی^۱

محمدرضا عبدیان*

محمدحسین قنبری جهرمی**

عبدالحسین صفایی***

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

امروزه برنامه‌ریزی مؤثر برای کاهش قاچاق از طریق کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی به یک ضرورت تبدیل شده و ضمانت‌اجراهای کیفری برای حفاظت از این برنامه‌ها و کاهش قاچاق در نظر گرفته شده است. تجربه کشورهای پیشرفته در مدیریت منابع نفتی نشان می‌دهد که یک «نظام کارآمد کنترل زنجیره تأمین نفتی» باید مبتنی بر طراحی لجستیکی و نظارت هوشمند باشد تا شفافیت کامل در تمامی مراحل تأمین، تولید، واردات، توزیع، عرضه، خرید، فروش، انبارش و حمل‌ونقل تضمین گردد. در نظام فعلی نقض مقررات و فعالیت‌های غیرقانونی همچنان امکان وقوع دارد. انواع این تخلفات همراه با جرائم و ریسک‌های مرتبط توسط نظام عدالت کیفری جرم‌انگاری شده‌اند، اما کاهش قاچاق و ارتقاء کارایی مستلزم عملکرد مناسب دستگاه‌های قضایی و نهادهای مرتبط است. سؤال این است که چگونه می‌توان با تلفیق اصلاح مقررات و ضمانت‌اجراهای کیفری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نظارتی، الگویی کارآمد برای کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی ارائه داد که منجر به کاهش قاچاق و افزایش امنیت اقتصادی شود؟ در این مقاله در راستای پاسخ به سؤال مزبور، تلاش شده است یک الگوی تلفیقی میان اصلاح مقررات کیفری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نظارتی همچون سامانه‌های ردیابی هوشمند و داده‌کاوی پیشرفته ارائه شود که امکان شفافیت و ردیابی لحظه‌ای فرآورده‌های نفتی را در سراسر زنجیره تأمین فراهم سازد. این مطالعه علاوه بر تحلیل کاستی‌های مقررات کیفری، راهکارهای عملی برای هوشمندسازی فرایندهای کنترل و کاهش خلأهای قانونی موجود ارائه نموده و الگویی بومی‌سازی شده متناسب با ساختار صنعت نفت کشور پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند برای سایر کشورها با ساختار مشابه نیز مورد استفاده قرار گیرد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بازنگری در قوانین کیفری و استفاده گسترده از فناوری‌های نظارتی پیشرفته می‌تواند نقش بسزایی در کاهش تخلفات، تضمین امنیت اقتصادی و مهار موفقیت‌آمیز قاچاق فرآورده‌های نفتی ایفا کند.

واژگان کلیدی

قاچاق کالا، قاچاق سوخت، فرآورده‌های نفتی، رویکردهای تقنینی و قضایی، مداخله کیفری.

۱. این مقاله مستخرج از پروژه تحقیقاتی نویسنده مسئول با عنوان «بررسی حقوقی قاچاق فرآورده‌های نفتی در مناطق مرزی» در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس دانشگاه عالی دفاع ملی با راهنمایی دکتر قنبری جهرمی و مشاوره دکتر صفایی است.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mrabdian@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران. jahromi_h@yahoo.com

*** استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. Safaei.1385@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

مقدمه

یکی از مهم‌ترین معضلات اقتصادی کشور در سال‌های اخیر، افزایش روزافزون قاچاق فرآورده‌ها و مشتقات نفتی بوده‌است. تأثیر قاچاق فرآورده‌های نفتی و دیگر جرایم و تخلفات مرتبط با فرآورده‌های نفتی بر امنیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد. هدر رفتن سالانه میلیاردها دلار از سرمایه‌های ملی،^۱ بیکاری، کاهش سطح تولید داخلی، ایجاد شغل‌های کاذب و غیرقانونی، آثار سوء فرهنگی بر محیط‌های درگیر و سود بردن عده‌ای انگشت‌شمار از ثروت ملی تنها برخی از آسیب‌های جرایم و تخلفات مرتبط با فرآورده‌ها و مشتقات نفتی محسوب می‌گردد (پيله فروش، ۱۳۹۷: ۱۰). امروزه با گسترش سخت‌گیری‌ها، تمامی فعالیت‌های زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی از طریق سامانه‌های هوشمند نظارت می‌شود و قوانین و دستورالعمل‌های متعددی برای این حوزه تدوین شده‌است. اجرای برنامه‌های نظارتی زنجیره تأمین به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده و ضمانت اجرای کیفری شدیدی برای پیشگیری از قاچاق و تخلفات مرتبط پیش‌بینی شده‌است. برای نمونه در کشور آمریکا، قانون تأمین امنیت انرژی (Energy Policy Act - ۲۰۰۵) به منظور تقویت امنیت انرژی ملی ایالات متحده و مدیریت منابع انرژی در سال ۲۰۰۵ تصویب شد. این قانون بیشتر بر ایمنی، امنیت و شفافیت در تأمین، توزیع، و فروش فرآورده‌های نفتی تمرکز دارد و ضمانت اجرای کیفری متناسبی نیز برای نقض ضوابط تعیینی دولت پیش‌بینی شده‌است. پیش از گسترش این رویکرد، نظارت بر زنجیره تأمین کالا به‌طور سنتی و در قالب سیاست‌های عمومی مرتبط با اقتصاد و بازار انجام می‌شد. در آن زمان، کنترل و مدیریت تأمین کالاها بیشتر به صورت عمومی و در قالب برنامه‌های کلان اقتصادی، تنظیم قیمت‌ها و توزیع منابع انجام می‌گرفت، بدون اینکه به‌طور خاص بر جنبه‌های زنجیره تأمین تمرکز شود.

۱- باوجود تفاوت در آمارهای مربوط به میزان قاچاق سوخت و فرآورده‌های نفتی، آنچه مسلم است حجم بسیار بالای آن می‌باشد به نحوی که طبق برخی آمارهای داخلی وزارت نفت، شرکت گمرک ایران و ستاد مبارزه با قاچاق سوخت روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون لیتر بنزین، بین ۸ تا ۱۲ میلیون لیتر گازوئیل قاچاق می‌شود که خسارت سالانه ۵ تا ۸ میلیارد دلار برای کشور در پی دارد. جهت مشاهده آمارهای دقیق میزان قاچاق و تحلیل‌های مربوط به آثار مالی و غیرمالی آن علاوه بر سایت‌های مراجع داخلی و ملی نظیر پورتال وزارت نفت، شرکت گمرک جمهوری اسلامی ایران و ستاد مبارزه با قاچاق سوخت و فرآورده‌های نفتی مراجعه شود به:

- <https://iranfocus.com/general/51914-12-million-liters-of-fuel-smuggled-out-of-iran-every-day>
- <https://www.iea.org/countries/iran>
- <https://www.transparency.org/en/countries/iran>
- <https://energypress.ir/en/dimensions-of-the-fuel-smuggling-crisis-in-iran/>

در سال‌های اخیر در ایران تلاش‌هایی برای پیاده‌سازی «کنترل نظام‌مند زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی» صورت گرفته است. در این راستا، سعی شده از ابزارهای کیفری (مانند جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری) به‌عنوان اهرم‌هایی برای تقویت و حمایت از اجرای این سیاست‌های نظارتی بهره‌برداری شود. با این حال، مداخلات کیفری در زمینه قاچاق فرآورده‌های نفتی، به‌ویژه در جهت ایجاد بازدارندگی و پیشگیری از قاچاق، همچنان قابل نقد و نیازمند بررسی است.

«مداخله کیفری»^۱ مفهومی عام است که عملکرد نظام عدالت کیفری را در سه مرحله تقنین، رسیدگی قضایی و اجرای حکم توصیف می‌کند. در تعریفی مضیق، مداخله کیفری شامل اقداماتی مانند جرم‌انگاری، کیفرگذاری و کیفردهی توسط دستگاه قضایی و نهادهای شبه قضایی است، (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲: ۳۶؛ فیروزمند، ۱۳۸۸: ۳۰) اما اگر نظام عدالت کیفری را به‌عنوان «مجموعه‌ای از نهادها مانند پلیس، دادسرا، دادگاه‌ها، قضات و ادارات اجرای کیفرها و قواعد حاکم بر آن‌ها» (گسن، ۱۳۷۴: ۱۳۳) یا در نگرشی وسیع‌تر به‌عنوان «مجموعه‌ای از متون، آموزه‌ها، کارگزاری‌های دولتی، رسانه‌ها و تعاملات ساختاری میان این نهادها» (فیروزمند، شایان، بهره‌مندبگ‌نظر، جلالی، ۱۳۸۴: ۱۷) تعریف کنیم، «مداخله نظام عدالت کیفری» قلمرو گسترده‌تری نسبت به «مداخله کیفری» خواهد داشت. این مداخله علاوه بر جرم‌انگاری، شامل فرایندهایی نظیر جرم‌زدایی، قضازدایی، کیفرزدایی، ضمانت اجرای جایگزین و همکاری با نهادهای اجتماعی است و محدود به وضع قانون کیفری نیست. (کلین، ۱۹۹۹: ۱۳۶) در نتیجه، دو نوع مداخله کیفری وجود دارد: معنای مضیق که محدود به قانون‌گذاری و جرم‌انگاری است، و معنای موسع که جنبه‌های گسترده‌تری از اقدامات عدالت کیفری را در برمی‌گیرد. در این پژوهش، تأکید بیشتر بر مفهوم مضیق مداخله کیفری است که به جرم‌انگاری و اعمال ضمانت اجرای کیفری توسط قانون‌گذار متمرکز است. جرم‌انگاری فرایندی گزینشی است که به موجب آن، قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی یا ضرورت‌های دیگر بر پایه مبانی نظری مورد قبول خود انجام رفتاری را ممنوع یا الزام می‌کند و برای حمایت از آن ضمانت اجرای کیفری که آخرین تهدید حقوقی است قرار می‌دهد (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۳۸)، اما در اینجا معنایی عام از جرم‌انگاری مدنظر قرار دارد که تنها محدود به جرم به معنای خاص آن نمی‌شود، بلکه تخلف‌ها نیز تحت این مفهوم گنجانده می‌شوند. در این چارچوب، برای هر دو مقوله، ابزارهای اجرایی خاصی در نظر گرفته می‌شود. برای جرم‌ها، که معمولاً رفتاری شدیدتر و خطرناک‌تر دارند، مجازات به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری وضع می‌شود، اما در مورد تخلفات، جریمه‌ها به‌عنوان ضمانت اجرایی در نظر گرفته می‌شود. از این منظر، «جرم‌انگاری» به

نحوی «تخلف انگاری» را نیز شامل می‌شود.

مداخله کیفری قانون‌گذار در راستای کاهش قاچاق و کنترل و نظارت بر زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی را می‌توان به‌عنوان یک اقدام حمایتی کیفری از این زنجیره تلقی کرد. هرچند که جرم‌انگاری و کیفرگذاری لزوماً به حمایت از این زنجیره در برابر آسیب‌ها و تهدیدات (و در نتیجه پیشگیری از وقوع جرم) نمی‌انجامد، اما به‌طور کلی جرم‌انگاری می‌تواند از منظر پیام‌های ارزشی و هنجاری و نیز به‌منظور فراهم آوردن زمینه‌های پاسخ‌گویی اجتماعی (پیشگیری قضایی)، مقدمه و بارزترین نمود حمایت کیفری محسوب گردد. (مقیمی و تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۲-۱۲) مفهوم جرم‌انگاری در این زمینه از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که، از یک سو، خود قاچاق فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن به‌عنوان یک تهدید جدی علیه امنیت اقتصادی و اجتماعی کشور شناخته می‌شود و از سوی دیگر، با جرم‌انگاری این رفتارها، پیام‌هایی از قبیل عدم پذیرش چنین رفتارهایی از سوی جامعه و تأکید بر لزوم رعایت قانون به جامعه منتقل می‌شود. این پیام‌ها به‌ویژه در عرصه اقتصادی و اجتماعی که در آن قاچاق نفتی و فرآورده‌های نفتی، منافع ملی را تهدید می‌کند از اهمیت بالایی برخوردارند. در این راستا، مجازات و جرمه‌های مالی که به‌عنوان ضمانت اجرایی برای رفتارهای مجرمانه در نظر گرفته می‌شوند، علاوه بر نقش بازدارند به‌عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل کرده و انگیزه‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند. به‌طور خاص، در زمینه قاچاق فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن، که معمولاً با حجم بالا و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای همراه است، ایجاد یک زمینه قانونی محکم برای برخورد با مجرمان می‌تواند گامی مؤثر در جهت تضمین سلامت و امنیت اقتصادی کشور باشد. در مجموع، مداخله کیفری از طریق جرم‌انگاری و اعمال کیفرهای قانونی، حتی اگر به‌طور مستقیم نتواند تمام مشکلات مربوط به قاچاق فرآورده‌های نفتی را حل کند، به‌طور غیرمستقیم و با تأثیرگذاری بر رفتار جامعه و ایجاد یک فضای منظم‌تر و قانون‌مندتر، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در پیشگیری و کنترل این پدیده شناخته می‌شود.

این پژوهش به دنبال شناسایی نقاط ضعف در مداخله‌های تقنینی نظام عدالت کیفری ایران در زمینه قاچاق فرآورده‌ها و مشتقات نفتی و ارائه راهکارهایی برای رفع این نقاط ضعف است. هدف اصلی آن پاسخ به این پرسش است که آیا با استفاده از قوانین کیفری، حمایت مؤثری از زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی فراهم آمده است تا از طریق آن قاچاق کاهش یابد یا خیر؟ در صورت وجود کاستی‌ها، چه پیشنهاداتی می‌توان جهت بهبود کارایی مداخلات کیفری ارائه داد؟

در این پژوهش، ابتدا به تبیین مفهوم مدیریت زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی و ویژگی‌های اساسی آن پرداخته خواهد شد. سپس، نظام کنترل زنجیره تأمین این فرآورده‌ها در

ایران و اجزای کلیدی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در ادامه، مداخله‌های کیفری تقنینی در حوزه کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی، شامل جرائم، مجازات‌ها، تخلفات و جرمه‌هایی که توسط مقنن برای مقابله با اقدامات مخل به نظم زنجیره تأمین این اقلام پیش‌بینی شده است، به طور جامع مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در نهایت، با تحلیل نواقص و کاستی‌های موجود در جرم‌انگاری جرائم مرتبط با قاچاق فرآورده‌ها و مشتقات نفتی، نتایج حاصله از بررسی‌های صورت گرفته جمع‌بندی خواهد شد. در این راستا راهکارهای حقوقی و اجرایی ویژه‌ای که می‌تواند به تقویت کارآمدی مداخلات کیفری در این مناطق کمک کند، ارائه خواهد گردید.

۱. ویژگی‌های اصلی زنجیره تأمین

زنجیره تأمین (Supply Chain) سیستمی متشکل از سازمان‌ها، افراد، فعالیت‌ها، اطلاعات و منابعی هستند که در فرآیند انتقال کالا و خدمات از تأمین‌کننده به مشتری نقش دارند. زنجیره تأمین به طور کلی یک شبکه پیچیده و پویا از تعاملات عرضه و تقاضا محسوب می‌شود. این زنجیره شامل تمامی فرآیندهایی است که به جریان و تبدیل کالاها از مرحله مواد خام تا تحویل آن‌ها به مصرف‌کننده نهایی مرتبط هستند. علاوه بر این، جریان‌های اطلاعاتی نیز که همراه با این فرآیندها هستند عضو ضروری این سیستم به شمار می‌روند (Tsay, 1999: 299-336). در اوایل دهه ۱۹۶۰، نخستین کتاب در زمینه مدیریت زنجیره تأمین منتشر شد و پژوهشگران مطالعه در مورد ارتباط داخلی میان انبارش و حمل‌ونقل را آغاز کردند. نتایج این تحقیقات منجر به توسعه مفهومی به نام مدیریت توزیع شد که با ایجاد هماهنگی و یکپارچگی میان انبارش و حمل‌ونقل، موجب کاهش موجودی‌ها و بهبود کارایی از طریق تسریع و افزایش اطمینان در فرآیندهای حمل‌ونقل گردید. یکی دیگر از نتایج این تحولات، کاهش زمان لازم برای تکمیل سفارشات، کاهش دوره‌های پیش‌بینی و افزایش دقت در پیش‌بینی‌ها بود. در این مرحله، ارتباطات اطلاعاتی بین سطوح مختلف انبارش (شامل کارخانه، توزیع‌کننده‌های منطقه‌ای و توزیع‌کننده‌های محلی) نیز بهبود قابل توجهی یافت (Handfield, 1999: 68).

در قرن بیست و یکم، سرعت عمل و پاسخگویی سیستم‌های مدیریتی سنتی، از جمله سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع تولید (MRP) دیگر کارآمدی لازم را نداشت. این سیستم‌ها که ریشه در نیم قرن گذشته دارند، برای پشتیبانی از تولید انبوه طراحی شده بودند و در آن دوران به‌عنوان ابزاری برای مدیریت مواد و موجودی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با گذشت زمان، سیستم‌های مدیریتی جدیدتری مانند مدیریت زنجیره تأمین (SCM) معرفی شدند که طرفداران زیادی پیدا

کرده‌اند (بلوری، ۱۳۸۳: ۹۳-۸۱). این روش‌ها تفاوت قابل توجهی با سیستم‌های سنتی MRP دارند. به‌ویژه در SCM، به‌جای اتکا به موجودی‌های انبار، تأمین محصولات مورد نیاز بر اساس سفارش و با توجه به محدودیت‌های شناخته‌شده از مؤسسات فروشنده انجام می‌شود. در این رویکرد، تعامل و هماهنگی مؤثر بین بازارپایان، لجستیک و واحدهای تولیدی از اهمیت بالایی برخوردار است (بلوری، ۱۳۸۳: ۹۳-۸۱).

به طور کلی، یک زنجیره تأمین از سه مرحله اصلی تشکیل می‌شود:

- ۱- تأمین: این مرحله شامل تهیه مواد اولیه برای تولید یا واردات کالاها است.
- ۲- توزیع: در این مرحله، کالاها در مقیاس کلان پخش می‌شوند و از تأمین‌کننده به عرضه‌کننده منتقل می‌شوند.

۳- عرضه: این مرحله مربوط به رساندن کالا به دست مصرف‌کننده نهایی در بازار است. خرید، فروش، حمل و انبارش کالا در هر یک از مراحل سه‌گانه زنجیره تأمین (تأمین، توزیع و عرضه) وجود دارد. بنابراین، در یک زنجیره تأمین، مراحل مختلفی مانند تولید، واردات، انبارش، حمل، توزیع، عرضه، فروش و خرید کالا به‌وضوح قابل تفکیک و بررسی هستند. از زمان شکل‌گیری نظریات مدیریت زنجیره تأمین، این مفهوم دستخوش تحولات زیادی شده است. لجستیک به‌عنوان مدیریت جریان کالا، اطلاعات و منابعی مانند انرژی یا نیروی انسانی، بین محل تولید و نقطه مصرف تعریف می‌شود. این فرآیند شامل برنامه‌ریزی، تولید، توزیع، حمل و نقل، انبارداری، جابه‌جایی کالا و بسته‌بندی است و بخش مهمی از زنجیره تأمین به شمار می‌آید که ارزش زمان و مکان را به آن می‌افزاید (مصدق‌خواه، امام، ۱۳۷۹: ۲۱-۱۶). با الکترونیکی شدن مدیریت زنجیره تأمین و به‌ویژه استفاده از سیستم‌های مبتنی بر اینترنت در دهه ۱۹۹۰، دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که می‌توانند از زیرساخت‌های زنجیره تأمین برای نظارت بر سیاست‌گذاری عمومی و مدیریت راهبردی خود بهره‌برداری کنند (آقاجانی، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۲). این تحولات، نخستین گام‌ها برای ایجاد چارچوبی برای کنترل زنجیره تأمین به شمار می‌آید.

۲. مدیریت زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی

برای دولت‌ها، زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی تنها شامل اطلاعات مربوط به تولید، انتقال و توزیع این محصولات نیست، بلکه هر مرحله از این زنجیره تحت ضابطه‌گذاری‌های دقیق قرار دارد. این ضوابط به‌منظور تضمین امنیت تأمین و مقابله با تهدیدات اقتصادی و امنیتی طراحی شده‌اند. با پیشرفت فناوری و الکترونیکی شدن این فرآیندها، نظارت و کنترل اعضای مختلف زنجیره تأمین از طریق مقررات خاص شدت یافته است. در مورد فرآورده‌های نفتی، که به‌دلیل حساسیت امنیتی

و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، این کنترل‌ها برای جلوگیری از قاچاق ضروری شده‌اند. دولت‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین، نظارت دقیقی بر هر مرحله از این زنجیره اعمال می‌کنند تا امنیت انرژی و ثبات اقتصادی حفظ شود.

کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن^۱ به‌طور عمده به چهار هدف اصلی متمرکز است:

۱- مدیریت اعضای زنجیره تأمین: نظارت دقیق بر تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، و مصرف‌کنندگان در تمامی مراحل این زنجیره به‌منظور تضمین ایمنی، کیفیت و منبع صحیح این فرآورده‌ها.

۲- ساماندهی بازار فرآورده‌های نفتی: ایجاد و حفظ تعادل در بازار عرضه و تقاضای فرآورده‌های نفتی، به‌ویژه در برابر نوسانات قیمت‌ها و خطرات ناشی از کمبود یا انحراف در توزیع.

۳- کشف و شناسایی تخلفات و جرائم: شناسایی قاچاق، تقلب و سایر تخلفات در فرآیند تولید، توزیع، و مصرف فرآورده‌های نفتی که می‌تواند تأثیرات منفی بر اقتصاد کشور، امنیت انرژی و محیط زیست بگذارد.

۴- پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائم: اعمال تدابیر پیشگیرانه به‌منظور جلوگیری از وقوع جرائم و تخلفات احتمالی از طریق استفاده از فناوری‌های نوین نظارتی، از جمله سیستم‌های ردیابی و تحلیل داده‌ها.

در این چارچوب، کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی، به‌ویژه با توجه به اهمیت این محصولات در تأمین امنیت انرژی و ثبات اقتصادی کشورها، امری ضروری است. استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته مانند سیستم‌های مدیریت اطلاعات و ردیابی آنلاین به‌منظور مدیریت دقیق‌تر این زنجیره‌ها و نظارت بر تمامی مراحل فرآیند تأمین، به شفافیت بیشتر و جلوگیری از تخلفات کمک می‌کند.

۳. چالش‌های مدیریت زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی

کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن از منظر نظام عدالت کیفری به‌معنای ایجاد

۱- با توجه به اهمیت زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن، موضوع طراحی این زنجیره در رشته‌های مختلف مورد توجه واقع شده است برای نمونه رجوع شود به: صاحبی، هادی؛ بنشاسته، آرزو؛ جبل عاملی، محمدسعید، طراحی زنجیره تأمین تاب‌آور در صنعت نفت تحت ریسک‌های عملیاتی و اختلالی: مطالعه موردی، نشریه پژوهش‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال ششم، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۹، صص ۵۶-۷.

شرایطی است که در نهایت منجر به پیشگیری از تخلفات و جرائم و تسهیل کشف هرگونه نقض مقررات در این حوزه باشد. هدف اصلی این فرآیند کاهش آسیب‌های موجود در بازار فرآورده‌های نفتی و بهبود نظارت بر آن است، اما در عمل، چالش‌های مختلفی در مسیر اجرای این کنترل‌ها وجود دارد که به‌طور عمده عبارتند از:

- ۱- ضعف نظارت و کشف تخلفات: عملکرد ضعیف نهادهای نظارتی، به‌ویژه پلیس، در کشف تخلفات و جرائم در حوزه فرآورده‌های نفتی یکی از مشکلات اساسی است. همچنین، تغییرات مداوم و بی‌پایان در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی، ناشی از تغییرات مدیریتی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط، به آشفتگی در اجرای صحیح قوانین منجر می‌شود. برای نمونه در سال‌های اخیر در قوانین مختلف همانند قوانین بودجه سنواتی، قوانین برنامه‌های توسعه کشور و نیز آیین‌نامه‌های متعددی در زمینه مدیریت مصرف فرآورده‌های نفتی و قاچاق آن‌ها به تصویب رسیده است که بیشتر این مقررات به دلیل شتابزدگی در تصویب دارای نواقص و تعارضات مختلف با قوانین پیشین است.^۱
- ۲- موازی‌کاری نهادهای مختلف: یکی دیگر از آسیب‌ها، وجود موازی‌کاری میان نهادهای مختلف نظارتی و اجرایی است که موجب ایجاد مقررات تکراری و تضاد در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. این موضوع نه تنها موجب کاهش کارایی در نظارت بر زنجیره

۱- برخی از مهم‌ترین قوانین و مقررات مصوب در سال‌های اخیر عبارتند از:

- قانون بودجه سالانه کشور (مثال: ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲)
- قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲، اصلاحات ۱۳۹۴)
- قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶
- مواد ۱۱۵-۱۱۲ قانون برنامه هفتم توسعه
- قانون اصلاح ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۴۰۱/۶/۳۰ در خصوص حبس تا ۱۰ سال برای قاچاق سوخت
- قانون تشدید مجازات اخلالگران نظام اقتصادی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱۸
- اصلاحیه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۱
- آیین‌نامه نظارت بر توزیع فرآورده‌های نفتی مصوب ۱۴۰۱/۵/۱۰ هیئت وزیران
- دستورالعمل اجرایی سامانه رهگیری سوخت مصوب ۱۴۰۲/۲/۱ وزارت نفت و ستاد مبارزه با قاچاق
- آیین‌نامه جریمه متخلفان سوخت‌رسانی مصوب ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ وزارت نفت
- بخشنامه مقابله با قاچاق سوخت در مرزها مصوب ۱۴۰۱/۹/۱ فرماندهی انتظامی کل کشور
- دستورالعمل رسیدگی به تخلفات پمپ‌بنزین‌ها مصوب ۱۴۰۲/۷/۳ سازمان تعزیرات حکومتی

- تأمین می‌شود، بلکه باعث عدم هماهنگی در مقابله با مشکلات کلان مانند قاچاق فرآورده‌های نفتی می‌گردد. در این میان نهادهایی همچون وزارت راه و شهرسازی (سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای) به عنوان متولی نظارت بر ناوگان حمل برون شهری، وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) به عنوان متولی نظارت بر حمل برون شهری، سازمان استاندارد به عنوان متولی نظارت بر مصرف سوخت در بخش‌های صنایع و ... (وزارت نفت) هر کدام به دلیل رویکردهای جزئی‌نگر و منافع سازمانی خود بدون همکاری با دیگر سازمان‌ها، پیگیر تصویب قوانین و آیین‌نامه‌هایی بوده‌اند که گاهاً در تعارض با مقررات قبلی بوده است و در بسیاری از موارد وافی به مقصود نیز نمی‌باشد.
- ۳- عدم توان مقابله با قاچاق و فساد: مقوله قاچاق فرآورده‌های نفتی، به‌ویژه در سطح کلان، همچنان به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی در کشورها باقی مانده است. گلوگاه‌های فساد در این صنعت، به‌ویژه در مناطق مرزی و با تأسیس بازارهای سیاه نفت و مشتقات آن، مسئله‌ای است که عملاً به‌طور کامل حل نشده است.
- ۴- نبود ضمانت اجرای مؤثر: در نهایت، فقدان ضمانت اجرای کافی^۱ برای جلوگیری از قاچاق و عرضه خارج از شبکه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی یارانه‌ای، به بحران‌های گسترده‌ای در این حوزه دامن می‌زند. سیستم‌های ردیابی و کنترل اصالت فرآورده‌های نفتی، اگرچه وجود دارند، اما به دلیل اجرای نامناسب یا عدم نظارت کافی، اثربخشی لازم را ندارند. به طوری که در بسیاری از موارد ارتکاب قاچاق کشف نمی‌گردد و حتی در مواردی هم که کشف صورت می‌گیرد به دلیل سازمان‌یافته و حرفه‌ای بودن قاچاقچیان و نیز ناتوانی در کشف جرم، اثبات کلیه سوابق ارتکاب قاچاق (دفعات و مقادیری که قاچاقچیان مرتکب قاچاق فرآورده‌های نفتی شده‌اند) امکان‌پذیر نمی‌باشد و در این موارد قاچاقچیان با محکومیت‌های حداقلی در مقایسه با سودهای کلانی که سابقاً کسب نموده‌اند به رفتارهای مجرمانه خود ادامه می‌دهند.
- ۵- نظارت ناکافی بر فرآیندهای تجاری: اجرای نامناسب سامانه‌هایی مانند «ثامن» (سامانه ثبت برخط معاملات فرآورده‌های نفتی)، «سدف» (سامانه درخواست فرآورده‌های نفتی)

۱- برخی مصادیق ضمانت‌اجراهای ناکافی و غیرکارآمد عبارتند از:

- جریمه‌های نقدی ناکافی مانند جریمه ۳ تا ۵ میلیون تومانی برای قاچاق هزاران لیتر سوخت یارانه‌ای به علت عدم تناسب جریمه با سود اقتصادی متخلف.
- مصادره وسایل نقلیه بدون اثر بازدارندگی و آزادی وسایل مزبور با پرداخت جریمه پایین
- عدم پیگیری دارایی‌های حاصل از قاچاق

نشان‌دهنده ضعف در نظارت و کنترل بازار فرآورده‌های نفتی است.^۱ این سامانه‌ها اگر به‌درستی پیاده‌سازی شوند، می‌توانند ابزاری مؤثر در کنترل اصالت و جلوگیری از قاچاق و تقلب در این صنعت باشند.

از این رو، یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی، استفاده از مداخله‌های نظام عدالت کیفری است. اگرچه قوانین و مقررات مختلفی برای نظارت بر این زنجیره وجود دارد، اما بدون ابزارهای مداخله‌ای از قبیل مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی، نظارت‌ها نمی‌توانند کارآمد و مؤثر باشند. نظام عدالت کیفری به‌عنوان یک وسیله مؤثر برای اجبار افراد به رعایت مقررات و استانداردها، تضمین‌کننده ارزش‌های انسانی و معیار سنجش در جامعه است. (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۲۹) بنابراین، بدون این مداخله‌ها، نظام نظارتی صرفاً به مجموعه‌ای از قواعد شکلی و بی‌اثر تبدیل خواهد شد که اعضای زنجیره تأمین به‌راحتی می‌توانند از آن‌ها تخلف کنند.

۴. الگوی مطلوب نظارت بر زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی

تجربه کشورهای صنعتی و پیشرفته در مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی نشان می‌دهد که «یک نظام بهینه کنترل زنجیره تأمین، نظامی است که بر اساس طراحی دقیق لجستیکی و نظارت هوشمند ساخته شده است، به‌طوری‌که شفافیت در فرآیندهای تأمین، توزیع، عرضه و خرید و فروش در تمامی مراحل این زنجیره به‌طور کامل قابل تضمین باشد» (لازارز، ۲۰۰۱: ۲۸۶-۲۷۵). در چنین نظامی، هیچ فرصتی برای تخلفات درون‌سیستمی (مانند نقض ضوابط داخلی) یا تخلفات برون‌سیستمی (فعالیت‌های خارج از سامانه) وجود ندارد. بخشی از پیشگیری در کنترل قاچاق فرآورده‌ها و مشتقات نفتی به مداخلات نظام عدالت کیفری و اعمال مجازات‌های سختگیرانه مربوط می‌شود. در نظامی که نظارت دقیق و قوانین روشن برای مقابله با تخلفات نفتی وجود دارد (پیشگیری وضعی ایجادشده توسط سامانه‌ها)، نیاز به مداخلات کیفری کاهش می‌یابد، چرا که سیستم به‌طور هوشمند قادر به شناسایی و برخورد با تخلفات است. با این حال، در صورت بروز تخلفات گسترده و سازمان‌یافته، نظام کیفری باید از ابزارهای قانونی خود برای جلوگیری از وقوع جرم و شناسایی سریع آن استفاده کند. در واقع، نظام عدالت کیفری نقش تکمیلی در کنار سامانه‌های ردیابی و نظارت ایفا می‌کند.

امروزه تخلفات مرتبط با قاچاق فرآورده‌ها و مشتقات نفتی، به همراه انواع خاصی از جرائم و تخلفات مانع، تحت نظارت دقیق نظام عدالت کیفری قرار دارند. «جرائم مانع» به جرائمی اطلاق

۱- این سامانه‌ها در اجرای ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۳ هیئت وزیران ایجاد شده‌اند. تحلیل و بررسی بسترهای حقوقی سامانه‌ها و ارزیابی مستندات حقوقی آن مجال دیگری می‌طلبد.

می‌شود که از منظر قبح ذاتی، جرم‌انگاری آن‌ها ضرورتی ندارد، اما برای پیشگیری از وقوع یک جرم با قبح ذاتی یا جلوگیری از وقوع حوادث ناگوار، توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری می‌شوند. این نوع از جرائم با هدف کاهش آسیب‌پذیری سیستم‌های هوشمند و همچنین محدود کردن فعالیت‌های پرریسک که در معرض تخلف قرار دارند، به‌عنوان ابزاری پیشگیرانه شناخته می‌شوند. پس از شکست سیاست‌های مبتنی بر مجازات و درمان مجرمان، یک دیدگاه جدید با رویکرد مدیریتی و پیشگیرانه مطرح گردید که تمامی جنبه‌های سیاست جنایی را تحت تأثیر خود قرار داده است. این رویکرد جدید، در مقایسه با سیاست‌های جنایی پیشین، که بیشتر بر مجازات و اصلاح مجرمان تمرکز داشت، بر کاهش و مدیریت خطر بزهکاری و تخلفات تأکید دارد. در راستای مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی، این رویکرد جدید بر استفاده از سامانه‌های نظارتی هوشمند و پیشگیرانه تأکید دارد که می‌تواند از وقوع جرم‌ها جلوگیری کرده و یا آن‌ها را در مراحل ابتدایی شناسایی کند. در رویکرد پیشگیری وضعی، این روش به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای جرم‌شناختی مطرح شده و جایگاه خود را به اثبات رسانیده است. پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، زمینه را برای گسترش استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی سیستماتیک و هوشمند در چارچوب سیاست‌های جنایی مبتنی بر ریسک فراهم کرده است (خانعلی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۸-۸۰). این تحولات نشان‌دهنده اهمیت روزافزون این رویکرد در مقابله با جرایم و کاهش خطرات مرتبط با آن‌ها است. در حوزه عدالت کیفری، نهادهایی همچون دادسراها، دادگاه‌ها، مراجع شبه قضائی و ضابطین مسئول اجرای قوانین کیفری هستند که از طریق این اقدامات، نظام کنترل زنجیره تأمین را حفظ می‌کنند. این «صیانت» به معنای ایجاد زمینه‌های قانونی برای مداخله نهادهای عدالت کیفری است، اما به معنای تضمین جلوگیری از تخلفات نیست. در واقع، صیانت نمی‌تواند تضمین‌کننده اجرای کامل قوانین باشد، چرا که همچنان ممکن است تخلفات رخ دهند. فرض این که جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری به‌تنهایی مشکلات نظام کنترل زنجیره تأمین را حل می‌کند، اشتباه است. این رویکرد ممکن است نتواند به‌طور کامل با مسائل پیچیده این نظام مقابله کند. با این حال، استفاده از ضمانت‌اجراهای کیفری می‌تواند ابزار مؤثری برای اجبار اعضای زنجیره تأمین به رعایت قوانین باشد و معیاری برای ارزیابی ارزش‌های حقوقی حمایت‌شده در این حوزه فراهم کند (کاکبورن، ۲۰۰۵: ۳۰۸-۳۰۲).

کنترل زنجیره تأمین از طریق حمایت‌های کیفری زمانی تحقق می‌یابد که تمامی اجزای آن پوشش داده شوند. هر زنجیره تأمین شامل دو بخش اصلی است: قالب و محتوا. قالب به ساختارهای اداری، افراد دارای مجوز، زیرساخت‌ها، شبکه‌های توزیعی و سامانه‌های هوشمند مربوط به کنترل زنجیره تأمین اشاره دارد. در حالی که محتوا شامل ضوابط و مقررات شکلی و

ماهوی است که کلیات آن توسط مقنن (قانون‌گذار) و جزئیات آن توسط مجری (دولت) تعیین می‌شود. بنابراین، کنترل مؤثر زنجیره تأمین از منظر کیفری نیازمند هم‌افزایی این دو بُعد است. از یک طرف، نهادهای اجرایی باید قالب و ساختارهای فنی و مدیریتی را به‌طور مؤثر طراحی کنند تا امکان نظارت و کنترل صحیح وجود داشته باشد. از طرف دیگر، قوانین و مقررات باید به‌طور دقیق و کامل در همه سطوح این زنجیره پیاده‌سازی شوند تا از بروز تخلفات و مشکلات جلوگیری شود. ضوابط تعیینی دولتی به موجب تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی^۱ پیش‌بینی شده است.

در دهه‌های اخیر، با رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شاهد گسترش استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی سیستماتیک و هوشمند در صنایع مختلف بوده‌ایم. در ایران نیز تلاش‌هایی برای کنترل و نظارت نظام‌مند بر فرآورده‌ها و مشتقات نفتی صورت گرفته است. این اقدامات به منظور بهینه‌سازی مدیریت منابع نفتی، جلوگیری از سوءاستفاده و تقلب، و همچنین افزایش کارایی در فرآیندهای توزیع و مصرف این اقلام صورت می‌گیرد. در این راستا، به تحلیل این تلاش‌ها، آسیب‌شناسی مداخلات کیفری قانون‌گذار ایران در حوزه نظارت بر فرآورده‌های نفتی و بررسی تأثیرات این اقدامات در تحقق اهداف کلان سیاست‌گذاری‌های حوزه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی خواهیم پرداخت.

۵. مدیریت و نظارت بر زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی و مشتقات آن در ایران

در ایران، نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی مشابه سایر کشورها در حال گذر از مدل سنتی به مدرن است. در گذشته، تمرکز بر جرائم و تخلفات در حوزه خروج این فرآورده‌ها از کشور بود (قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون امور گمرکی). با گذشت زمان و پیشرفت فناوری، فرآیندهای نظارتی به‌طور الکترونیکی تغییر کرده و کارایی سیستم‌ها بهبود یافته است. همچنین، با افزایش مداخلات کیفری، نظارت‌ها بر تخلفات مانند تخصیص، حمل‌ونقل، خرید و فروش و نگهداری غیرمجاز این فرآورده‌ها شدت یافته است.

اولین گام‌ها برای بهبود نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران به زمان اجرای سیاست‌های دولت الکترونیک در دوره اول اصلاحات (۱۳۸۱) و با تصویب آیین‌نامه اجرایی

۱- تبصره ۴: خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار می‌گیرند به صورت تجاری مانند فرآورده‌های نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالای مزبور حسب مورد به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم می‌شود. دولت مکلف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون دستورالعمل مورد نیاز را تصویب نماید.

سامانه نظارت الکترونیک بر توزیع سوخت (مصوب هیئت وزیران به شماره ۲۱۵۷۸/ت۵۰۴۷ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۰)، باز می‌گردد. دولت الکترونیک به معنای استفاده از فناوری اطلاعات برای تسهیل فرآیندهای دولتی و انتقال اطلاعات بین مردم، سازمان‌ها و دولت است. هدف اصلی آن افزایش بهره‌وری، ارائه خدمات عمومی مؤثر و تسهیل روندهای مردم‌گرا است. با وجود این که مطالعات نشان می‌دهد در دوران دولت هشتم توجه بیشتری به دولت الکترونیک شده بود، در دولت‌های نهم و دهم این طرح‌ها تا حدی به حاشیه رفتند. در حال حاضر، کشور ما در شاخص‌های مربوط به حکمرانی الکترونیک، هم در سطح جهانی و هم در منطقه، جایگاه مناسبی ندارد، اگرچه در دوران دولت یازدهم روند بهبود داشته است. براساس گزارش‌های سازمان ملل، ایران در شاخص دولت الکترونیک از رتبه ۱۰۶ در سال ۲۰۱۶ به رتبه ۸۶ در سال ۲۰۱۸ ارتقاء یافت، اما همچنان فاصله زیادی با کشورهای پیشرفته دارد. در ارزیابی دیگری که سازمان ملل متحد در زمینه شاخص مشارکت الکترونیکی انجام داده است، جمهوری اسلامی ایران با ۳۸ پله ارتقاء، از رتبه ۱۴۹ به رتبه ۱۱۱ صعود کرده است (معصوم‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۸-۵۵).

۶. مولفه‌های اصلی نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران

نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران، مانند سایر کالاها، شامل فرآیندهای متعددی برای مدیریت و نظارت بر توزیع این اقلام است. علاوه بر نهادهای دولتی و حاکمیتی نظیر وزارت نفت، استفاده از سامانه‌های هوشمند به عنوان بخش اصلی تشکیل‌دهنده قالب این نظام کنترلی در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. بیشتر این سامانه‌ها، جزو سامانه‌های کلی کشور هستند که برای نظارت بر تأمین تمامی کالاها طراحی شده‌اند و مربوط به دسته کالایی خاص نیستند. تمامی این سامانه‌ها ذیل «سامانه یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرآیند تجارت» (سامانه جامع تجارت ایران) می‌گنجند. این سامانه به موجب بند «الف» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف کاهش فساد، ارتقاء شفافیت اقتصادی و تسهیل فرآیندهای تجاری راه‌اندازی شده و بر تمام مراحل از تولید و ذخیره‌سازی تا توزیع و مصرف فرآورده‌های نفتی نظارت دارند. با راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند از سال ۱۳۹۵، بسیاری از مشکلات پیشین نظیر فساد و عدم شفافیت کاهش یافته است. این سامانه‌ها به دستگاه‌های دولتی کمک می‌کنند تا اطلاعات مربوط به فرآورده‌های نفتی را به صورت یکپارچه مدیریت کنند و به صورت آنلاین و بلادرنگ به پیگیری و نظارت بر توزیع این اقلام بپردازند. به‌طوری که این سیستم‌ها می‌توانند موجودی‌ها، الگوهای مصرف و مسیرهای توزیع را دقیقاً رصد کنند و از قاچاق جلوگیری نمایند. با این حال، در مقایسه با دیگر کشورها، ایران همچنان در زمینه شفافیت اقتصادی با چالش‌هایی روبه‌رو است. در ارزیابی‌های جهانی و بنا بر

اعلام سازمان بین‌المللی شفافیت (TI) در سال ۲۰۱۷ ایران در رتبه ۱۳۰ بین ۱۸۰ کشور از لحاظ «شاخص شفافیت اقتصادی» قرار داشته است که نشان‌دهنده نیاز به پیشرفت بیشتر در بهبود این سیستم‌ها است. (گزارش ادراک فساد در سال ۲۰۱۷، ۲۰۱۹) به‌طور کلی، استفاده از تکنولوژی‌های نوین و همکاری نزدیک‌تر بین نهادهای مختلف می‌تواند موجب بهبود شفافیت و کارایی این سیستم‌ها شود.

سامانه یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرآیند تجارت (که بر اساس بند «الف» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایجاد شده و در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به شرح جزئیات و نحوه طراحی آن پرداخته شده است) شامل سامانه‌های زیر می‌باشد:

۱- سامانه حوزه تجارت فرامرزی (فرآیندهای صادرات و واردات و ترانزیت کالا را شامل می‌شود).

۲- سامانه تجارت داخلی (این حوزه در برگیرنده کلیه تعاملات بازرگانان در طول زنجیره تأمین در حوزه‌های اصلی حمل، انبارش، خرید و فروش و انتقال مالکیت در حوزه کالای هدف تا سطح تعیین می‌باشد و امکان ثبت و استعلام اطلاعات از جمله محل ورود کالا به زنجیره تجاری محل قرارگیری کالا در هر نقطه از زنجیره تأمین مالک کالا و مسیر نقل و انتقال مالکیت کالا در طول زنجیره تأمین تا سطح تعریف شده را فراهم می‌کند).

۳- سامانه جامع انبارها و مراکز نگهداری کالا (موضوع بند «ث» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف شناسه‌دار کردن کلیه انبارها و مراکز نگهداری کالا و ثبت مشخصات مالک کالا، نوع و میزان کالاهای ورودی و خروجی از این اماکن).

۴- سامانه شناسه کالا (موضوع تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

۵- سامانه اعتبار سنجی و رتبه‌بندی اعتباری (موضوع بند «ت» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بوده و صدور، تمدید و ابطال کارت بازرگانی را از طریق این سامانه با هدف پیشگیری از بروز تخلفات و قاچاق کالا و ارز انجام می‌شود).

۶- پرتال ارزی یا نظام یکپارچه معاملات ارزی نیما (بازرگانان درخواست‌های غیر بانکی خود را برای تأمین ارز در سامانه جامع تجارت ثبت می‌کنند، سپس این درخواست به شکل خودکار به این سامانه منتقل می‌شود و برای صرافی‌ها قابل مشاهده می‌شود).

۷- سامانه جامع حمل و نقل (خود این سامانه از دو سامانه حمل و نقل بین شهری و حمل و نقل درون شهری تشکیل شده است).

۸- سامانه جامع امور گمرکی (پنجره واحد تجارت فرامرزی در حال حاضر از دوازده

زیرسامانه تشکیل شده است و کلیه فرآیندهای گمرکی از طریق بخش‌های مختلف این سامانه انجام می‌گیرد.^۱

در حوزه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی سامانه‌های تخصصی به نام‌های «ثامن»، «سدف» و «سامانه جامع پیمایش» نیز وجود دارد؛ سامانه ثامن که به عنوان سامانه برخط معاملات نفتی نیز شناخته می‌شود به منظور نظارت بر فرآیند تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی و نیز نحوه تأمین مواد اولیه مورد نیاز در تولید فرآورده‌ها و مشتقات نفتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به طوری که کلیه صادرکنندگان فرآورده‌ها و مشتقات نفتی هنگام اظهار کالای صادراتی خود به گمرکات اجرایی باید منشأ فرآورده صادراتی خود و نیز مواد اولیه مورد استفاده در آن را اعلام کنند و از نظر گمرک و سازمان استاندارد منشأ و مواد اولیه‌ای مجاز و قانونی قلمداد می‌گردد که سوابق آن در سامانه ثامن قابل رصد و رهگیری باشد.

سامانه سدف نیز سامانه‌ای است که به موجب دستورالعمل ماده ۴۴ آیین‌نامه مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز راه‌اندازی شده و فرآیند صدور مجوز و میزان سهمیه فرآورده نفتی مورد نیاز در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی، نیروگاهی، زیربنایی و... را مشخص می‌کند و فرآیند نظارت بر تعیین و تخصیص فرآورده‌های نفتی مورد نیاز در این حوزه‌ها در فضای سامانه سدف انجام می‌گیرد.

در حوزه تخصیص سوخت به ناوگان حمل بار و مسافر درون‌شهری و برون‌شهری نیز به موجب بند «ج» ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ماده ۲ مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۵ هیئت وزیران و نیز دستورالعمل ماده ۴۴ آیین‌نامه مورد ۵ و ۶ سامانه‌ای تحت عنوان سامانه «جامع پیمایش» راه‌اندازی شده است که براساس عملکرد ناوگان حمل بار و مسافر درون شهری و برون‌شهری، سوخت مورد نیاز به این ناوگان را تخصیص می‌دهد.

علاوه بر سامانه‌های قبلی، تبصره ۳ ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مبنای قانونی ایجاد سامانه‌ای تحت عنوان «سامانه شناسایی و مبارزه با کالای قاچاق» است که یکی از اجزای اصلی نظام کنترل زنجیره تأمین کالا و به نوعی، مهم‌ترین قسمت آن محسوب می‌شود. این سامانه به عنوان ناظر و کاشف در نظام کنترل زنجیره تأمین کالاهای مختلف من جمله فرآورده‌ها و مشتقات نفتی عمل می‌کند و وظیفه دارد با پایش و بررسی اطلاعات در دسترس، تخلفات و جرائم مرتبط با فرآورده‌های نفتی را شناسایی نماید. طبق این تبصره، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز موظف است که در همکاری با وزارت اطلاعات، وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی (گمرک جمهوری اسلامی ایران)، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، سامانه‌ای را

۱- سامانه جامع مدیریت امور گمرکی، به آدرس: <https://www.epl.irica.gov.ir>

برای شناسایی و مبارزه با کالاهای قاچاق طراحی، اجرا و بهره‌برداری کند. بر اساس این قانون، تمامی مراکز تجاری و اقتصادی داخلی و خارجی کشور موظف به ارائه و تبادل اطلاعات از طریق این سامانه هستند. این سامانه نه تنها برای کالاهای عمومی، بلکه برای فرآورده‌ها و مشتقات نفتی نیز قابل استفاده است و تخلفات و جرائم مربوط به این حوزه را نیز می‌تواند شناسایی و رصد کند. عملکرد بهینه این سامانه به تکمیل اطلاعات آن وابسته است، زیرا این اطلاعات باید به صورت منظم و کامل توسط کلیه مراکز تجاری داخلی و خارجی کشور ارائه و تبادل شود. در حال حاضر، به نظر می‌رسد که این تکامل هنوز به طور کامل محقق نشده است. این نقص اطلاعاتی باعث کاهش شفافیت در روند تجارت و نیز کاهش اعتماد به نتایج به‌دست آمده از پایش اطلاعات در این سامانه شده است. بر اساس این کمبود اطلاعات، نیاز به تبادل برخط اطلاعات بین سامانه‌ها احساس می‌شود. در نهایت، در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۹۷، توافق‌نامه‌ای میان وزارت اقتصاد و وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) منعقد شد تا این مشکلات حل شده و تبادل اطلاعات به صورت برخط میان سامانه‌ها انجام گیرد. این توافق به‌طور مؤثری به دنبال رفع نقاط ضعف موجود در تبادل اطلاعات و ایجاد شفافیت بیشتر در زنجیره تأمین کالا است.^۱ محتوای نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران شامل دو بخش اصلی است: «تشریفات» و «ضوابط تعیینی» که به‌طور کلی به مقررات شکلی و ماهوی مرتبط با این کالاها اشاره دارد. این ضوابط تعیینی دولتی در تبصره الحاقی به ماده ۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۴ پیش‌بینی شده‌اند. هرچند پیش از این تاریخ نیز ضوابطی مشابه برای فرآورده‌ها و مشتقات نفتی وجود داشته است، اما تا پیش از تصویب این قانون ضمانت اجرایی کیفری برای نقض این ضوابط تعیین نشده بود. در نتیجه، تخلف از این ضوابط معمولاً تنها با عدم تمدید پروانه فعالیت قابل پیگیری بود و مجازات قانونی مشخصی برای آن‌ها در نظر گرفته نشده بود.

دو دسته اخیر از قوانین مذکور جزء «مداخلات کیفری» محسوب می‌شوند. این قوانین علاوه بر مقررات مصوب مجلس، شامل ضوابط تعیینی و مقررات دولتی نیز می‌باشند که اختیار تصویب آن‌ها به دولت تفویض شده است. در ادامه، پس از تبیین نظام بهینه کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی، به بررسی مصادیق این نوع مداخلات کیفری در قوانین مرتبط با حوزه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران خواهیم پرداخت.

مداخله‌های کیفری تقنینی در کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران

مداخله‌های کیفری در کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی شامل جرائم، تخلفات و

مجازات‌ها است که برای مقابله با فعالیت‌های مختل‌کننده این زنجیره توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است. این جرائم در مواد قانونی مختلف ذکر شده‌اند و به‌طور کلی شامل مجازات‌هایی برای متخلفان مانند جریمه‌های مالی می‌باشند. هدف این مداخلات، مقابله با قاچاق و فساد در فرآیند تأمین و توزیع این فرآورده‌ها است تا از هرگونه اختلال در این زنجیره جلوگیری شود.

۷-۱. الزام قانونی به پذیرش نظام کنترلی

پیش‌نیاز اصلی کنترل مؤثر در نظام زنجیره تأمین، الزام فعالان حوزه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی به فعالیت در چارچوب نظام‌های کنترلی است. در صورتی که فعالیت‌ها در این سیستم‌ها به‌صورت اختیاری و بدون الزام به استفاده از بسترهای مشخص‌شده انجام شود، عملاً امکان پایش دقیق عملکردها و رصد فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع وجود نخواهد داشت. در نظام‌های کنترل سیستمی (مانند سامانه‌های الکترونیکی و نرم‌افزاری)، یک پیش‌فرض بنیادی وجود دارد که هرگونه فعالیت خارج از سامانه‌های تعریف‌شده، به‌طور ضمنی نامشروع به حساب می‌آید. این پیش‌فرض، اساس تضمین شفافیت و امنیت در عملکردهای مربوط به فرآورده‌ها و مشتقات نفتی را فراهم می‌آورد و کمک می‌کند تا از بروز فساد، تقلب و دیگر تخلفات جلوگیری شود. ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پس از تعریف چارچوب اصلی نظام کنترل در زنجیره تأمین، ضمانت‌های اجرایی لازم برای تحقق این نظام را پیش‌بینی کرده است. مطابق این ماده «دولت مکلف است، به‌منظور پیشگیری از ارتکاب قاچاق و شناسایی نظام‌مند آن، با پیشنهاد ستاد و پس از ابلاغ رئیس‌جمهور، سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند جدید مورد نیاز جهت نظارت بر فرآیند واردات، صادرات، حمل‌ونقل، نگهداری و مبادله کالا و ارز را ایجاد و راه‌اندازی نماید. کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف به رعایت احکام این قانون، مربوط به سامانه‌های راه‌اندازی شده می‌باشند و اشخاص حقیقی متخلف به محرومیت از اشتغال به حرفه خود تا یک سال و اشخاص حقوقی به ممنوعیت از فعالیت تجاری تا شش ماه محکوم می‌شوند.» این مجازات تناسب کافی با جرم ندارد زیرا ممنوعیت ۶ ماهه فعالیت برای شرکت‌های متخلف در قاچاق سازمان‌یافته سوخت (که ممکن است میلیاردها تومان سود داشته باشند) بازدارنده نیست. برای نمونه یک شرکت حمل‌ونقل که عمداً در قاچاق سوخت مشارکت دارد، پس از ۶ ماه می‌تواند فعالیت را از سر بگیرد. به علاوه، الزام فعالیت در سامانه‌های نظارتی بدون تفکیک بین اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و غیردولتی عملاً بسیط‌انگاری مسئله است. این امر سبب می‌شود نهادهای دولتی، باوجود مسئولیت نظارتی سنگین، از ضمانت‌اجرایی مشابه افراد غیردولتی برخوردار شوند. مناسب‌تر آن بود که ضمانت اجرای این ماده و موارد مشابه برای اشخاص حقیقی، اشخاص

حقوقی دولتی و اشخاص حقوقی غیردولتی به طور جداگانه تعیین شود. برای نمونه، مجازات اشخاص دولتی می‌بایست به مواردی نظیر تعلیق مسئولان مرتبط از سمت دولتی برای مدت معین و موارد مشابه محدود شود. همچنین، برای اشخاص حقوقی غیردولتی، ممنوعیت فعالیت در حوزه انرژی، حداقل برای متخلفان سازمان‌یافته، یا مصادره دارایی‌های ناشی از قاچاق در نظر گرفته شود. محرومیت از پروانه اشتغال برای مدت معین نیز می‌تواند برای اشخاص حقیقی اعمال گردد.

انتهای این ماده، جهت الزام افراد به فعالیت در سامانه‌های موضوع این قانون جرم‌انگاری شده است، اما ایراداتی به آن وارد است. عبارت «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی» دستگاه‌های دولتی را نیز شامل می‌شود، درحالی‌که برای مأمورین و نهادهای دولتی ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده و به نظر می‌رسد قانون‌گذار تنها اشخاص غیردولتی فعال در زنجیره تأمین کالا را مدنظر داشته است. این در حالی است که بخش عمده احکام مقرر درباره سامانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی دولتی را هدف قرار داده و مردم صرفاً موظف به ورود اطلاعات صحیح و فعالیت در بستر سامانه هستند. همچنین، «عدم رعایت احکام این قانون» به عنوان ترک فعل، رفتار مجرمانه تلقی شده است، اما احکام الزام‌آور مربوط به سامانه‌ها عمدتاً در آیین‌نامه‌های مرتبط آمده‌اند و خود قانون تنها به احکام کلی تشکیل و راه‌اندازی سامانه‌ها پرداخته است.

این ماده از لحاظ کیفرگذاری نیز دارای ایرادات است. مجازات تعیین‌شده، تا یک سال و شش ماه محرومیت از فعالیت تجاری است، بدون تعیین حداقل مجازات، که خود این باعث ایجاد عدم تناسب بین جرم و مجازات می‌شود. همچنین این مجازات، از لحاظ آثار رفتار مجرمانه، متناسب به نظر نمی‌رسد (عدم رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات). در این ماده، فعالیت تجاری به‌طور مشخص تعریف نشده است و اگر منظور از آن، اعمال تجاری مندرج در قانون تجارت باشد، مجازات پیش‌بینی‌شده همچنان نامتناسب خواهد بود. علاوه بر این، نحوه اجرای حکم ممنوعیت از فعالیت تجاری مشخص نشده است، به‌ویژه اینکه انجام اعمال تجاری نیابتی، می‌تواند اثرگذاری مجازات پیش‌بینی‌شده را بی‌اثر کند. به نظر می‌رسد که تعیین این ضمانت اجرا صرفاً به منظور رفع خلأ ضمانت اجرایی برای الزامی بودن پذیرش نظام کنترلی بوده است و در طراحی و دقت کارآمدی آن، توجه کافی صورت نگرفته است.

۲-۷. حمایت کیفری از اطلاعات سامانه‌های کنترلی

تبصره ۱ ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به منظور حفاظت از امنیت اطلاعات سامانه‌های مرتبط با این قانون، به صورت خاص مقرر می‌دارد که «هرگونه دسترسی غیرمجاز به اطلاعات سامانه‌های راه‌اندازی شده به موجب این قانون و افشای اطلاعات آن‌ها، جرم است و مجرم به

مجازات از شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود.» قسمت اول این تبصره، صرفاً مجازات موضوع ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مربوط به دسترسی غیرمجاز را تشدید کرده است. به عبارت دیگر، برای حمایت کیفری از سامانه‌ها خلأ قانونی وجود نداشته است. حتی در صورت افشای اطلاعات که می‌تواند به عنوان جاسوسی رایانه‌ای تلقی شود و تحت شرایطی در زمره داده‌های سری به حساب آید، رفتار مرتکب تحت مجازات شدیدتری که در ماده ۷۳۱ قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۸ آمده، و همچنین ماده ۴ قانون جرائم رایانه‌ای قرار خواهد گرفت.

بر اساس تبصره ۲ ماده ۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «وارد نمودن اطلاعات خلاف واقع یا ناقص یا با تأخیر در سامانه‌های موضوع این قانون جرم است و مجرم به شش ماه تا دو سال انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی محکوم می‌شود.» در این تبصره توجه نشده که برخی از رفتارها می‌توانند تحت عنوان جعل رایانه‌ای (ماده ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۸) با مجازات شدیدتر حبس از یک تا پنج سال قرار گیرند. این تبصره خاص بوده و اجازه استناد به قاعده تعدد معنوی برای اعمال اشد مجازات را نمی‌دهد. به بیان دیگر، نه تنها حمایت کیفری از سامانه‌ها افزایش نیافته، بلکه به نظر می‌رسد سامانه‌های کنترل زنجیره تأمین کم‌اهمیت‌تر در نظر گرفته شده‌اند که برداشت نادرستی است. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار هنگام تصویب این ماده از قوانین دیگر بی‌خبر بوده است. «جزیره‌ای بودن قانون‌گذاری» از اشکالات رایج در نظام قانون‌گذاری ایران است که به پژوهشی جداگانه نیاز دارد. اضافه کردن قید «در صورتی که مشمول عنوان مجازات شدیدتری در این قانون یا قوانین دیگر نباشد» می‌توانست این مشکل را برطرف کند.

«وارد نمودن اطلاعات با تأخیر» یکی از جرم‌انگاری‌های جدید این تبصره است، اما حدود حدوث تأخیر مشخص نشده و این امر باعث ابهام و تفاسیر متضاد می‌شود که گاه به ضرر جامعه و گاه به ضرر متهم و عملاً موجب اجرای مجازات ناعادلانه است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۸۳) ورود اطلاعات با تأخیر، وقتی زمان ورود اطلاعات مهم است و بخشی از استنادپذیری داده به حساب می‌آید، همچنان جعل رایانه‌ای محسوب می‌شود و قبلاً جرم‌انگاری شده است. ایراد این تبصره این است که فقط برای کارمندان دولتی مجازات تعیین شده، در حالی که بیشتر ورود اطلاعات توسط کاربران بازرگانان انجام می‌شود. ورود فوری اطلاعات برای کنترل سیستمی زنجیره تأمین ضروری است (لازارز، ۲۰۰۱: ۲۸۶-۲۷۵). تأخیر در ورود اطلاعات توسط بازرگانان می‌تواند زمینه سوءاستفاده و پوشش فعالیت‌های نامشروع را فراهم کند. همچنین، برای اعتماد به اطلاعات سامانه در کشف تخلفات یا بهره‌برداری‌های آماری، انطباق دقیق اطلاعات با واقعیت

بیرونی ضروری است. ورود اطلاعات با تأخیر باعث بی‌اعتمادی به نتایج سامانه می‌شود. به‌طور کلی، این ماده به‌عنوان ضمانت اجرای نقض احکام اجزای اصلی نظام کنترل زنجیره تأمین (سامانه‌های هوشمند الکترونیکی) چندان کارا نیست و صیانت مناسبی از سامانه‌ها ارائه نمی‌دهد. با این حال، مقررات عام قانون مجازات اسلامی در مورد جرائم رایانه‌ای می‌تواند در این سامانه‌ها نیز اجرا شوند و تا حدودی این ضعف را جبران کنند.

۳-۷. حمایت کیفری از فرآیندهای نگهداری، حمل و نقل، خرید و فروش فرآورده‌ها و مشتقات نفتی

تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مواد قانونی در زمینه زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی، دو هدف کلیدی را دنبال می‌کند: نخست، تبیین ضوابط تعیینی دولت برای این زنجیره و دوم، تعیین ضمانت‌های اجرایی برای اجرای این ضوابط. این تبصره، که در اصلاحات سال ۱۳۹۴ به قانون الحاق شده است، به شرح زیر بیان می‌دارد: «خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار می‌گیرند، به‌صورت تجاری، مانند فرآورده‌های نفتی و دارویی، خارج از ضوابط تعیینی دولت، تخلف محسوب می‌شود و مجرم، علاوه بر ضبط کالای مزبور، حسب مورد، به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. دولت مکلف است، ظرف مدت دو ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، دستورالعمل مورد نیاز را تصویب نماید.»

یکی از ایرادات اصلی موجود در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عدم تعریف دقیق «کالای موضوع قاچاق» توسط قانون‌گذار است. عدم تعریف این کالاها موجب ایجاد ابهامات جدی در روند اجرایی قانون گردیده است. به‌ویژه، دستورالعمل اجرایی تبصره ۴ ماده ۱۸، که با تأخیری سه‌ساله در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۹ توسط دولت تصویب شد، در مقام تعریف کالای موضوع قاچاق، برخلاف نظر مجلس اقدام نمود. این دستورالعمل دولت، برای آنکه کالای موضوع قاچاق شناخته شود، «قصد خروج کالا از کشور» را ضروری دانسته است. این تفسیر نادرست دولت باعث محدود شدن مبارزه با قاچاق کالا به کالای قاچاق صادراتی گردید، در حالی که بخش عمده‌ای از کالاهای قاچاق وارد کشور می‌شوند. تعریف دولت از کالای قاچاق به‌طور صریح در تضاد با بند «ر» ماده ۲ همین قانون است که اقدام به خروج کالای بدون رعایت تشریفات قانونی را قاچاق می‌داند، اما دولت در دستورالعمل اجرایی خود، این رفتار را فقط به‌عنوان یک تخلف ساده در نظر گرفته و این اقدام به‌طور ناخواسته موجب بلااثر شدن ضمانت‌های اجرایی مقرر در تبصره ۴ ماده ۱۸ گردید. در واقع، در این تبصره، ضوابط تعیینی دولت برای کالاهای قاچاق مورد حمایت قرار

گرفته است و کالاهایی که در این چارچوب تعریف شوند، کالای موضوع قاچاق به حساب می‌آیند. منظور از کالاهایی که به عنوان کالای موضوع قاچاق شناخته می‌شوند، کالاهای تولید داخل یا وارداتی هستند که خارج از ضوابط تعیینی دولت در دستورالعمل‌های مرتبط با تبصره ۴ ماده ۱۸ خرید، فروش، حمل یا نگهداری می‌شوند. خوشبختانه در مصوبه شماره ۱۰۶۶۸۹ ات ۵۵۶۷۹ هـ مورخ ۱۴/۸/۱۳۹۷ هیئت دولت، قید «قصد خروج کالا از کشور» از ماده ۱ دستورالعمل اجرایی حذف شد که این اصلاح، گام مثبتی در تصحیح برداشت نادرست دولت از موضوع قاچاق کالا به شمار می‌آید.

با اصلاح دستورالعمل اجرایی تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، یکی از مشکلات اصلی که در اجرای مؤثر این قانون باقی ماند، عدم تعیین ضوابط تعیینی خاص برای دسته‌های کالایی مختلف بود. طبق ماده ۳ دستورالعمل اجرایی این تبصره، قرار بر این شد که ضوابط اختصاصی هر کالا، بر اساس پیشنهاد دستگاه‌های مربوطه و تأیید ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تعیین شود. در نهایت، پس از تأخیرهای مختلف، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با استناد به ماده ۲ دستورالعمل تبصره ۴ الحاقی ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (تصویب نامه شماره ۱۳۸۸۶۴ ت ۵۲۹۷۱ هـ تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۹ و اصلاحی به شماره ۱۰۶۶۸۹ ت ۵۵۶۷۹ تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۴ هیئت وزیران) به پیشنهاد شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، ضوابط اختصاصی برای خرید، فروش، حمل و نگهداری فرآورده‌ها و مشتقات نفتی را در ۷ فصل، ۳۹ ماده تصویب کرد و در تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۲ به تأیید رئیس جمهوری رسید. این اصلاحات و تأسیس ضوابط خاص به‌ویژه برای فرآورده‌ها و مشتقات نفتی گام مهمی در تسهیل مبارزه با قاچاق کالا و تقویت کنترل‌ها در حوزه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی بود. از آن زمان به بعد، اجرای این ضوابط و قوانین مرتبط، به دلیل شفافیت بیشتر، توانسته است برخی مشکلات موجود در بخش قاچاق کالاهای حساس را تا حد زیادی برطرف کند. این دستورالعمل شامل مهم‌ترین و دقیق‌ترین قواعدی است که برای کنترل و نظارت بر زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی طراحی شده‌اند. اصول اساسی «تنظیم‌گری دولت» (Government Regulatory) در حوزه محصولات نفتی از طریق این دستورالعمل به مرحله اجرا می‌رسند و به عنوان ابزاری مؤثر در مدیریت و نظارت بر این فرآیندها عمل می‌کنند. پشتوانه این مقررات، مجازات‌های تعیین‌شده در تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (که شامل حداقل مجازات‌ها برای قاچاق کالا می‌شود) است. این مجازات‌ها به عنوان ابزار اجرایی، نقش حیاتی در تضمین اجرای مؤثر مقررات و جلوگیری از تخلفات در این حوزه دارند.

۷-۴. حمایت کیفی از فرآورده‌های صادرات، واردات، عبور (ترانزیت) و معاوضه (سوآپ) فرآورده‌ها و مشتقات نفتی

در ماده ۴۵ آیین نامه اجرایی مواد (۵) و (۶) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مقرر شده است که «وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی (گمرک ایران) موظفند با کسب نظر از دبیرخانه ستاد، وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی و دادگستری و سازمان ملی استاندارد ایران، دستورالعمل اصلاح و بهبود (ساماندهی) فرآورده‌های صادرات، واردات، عبور (ترانزیت) و معاوضه (سوآپ) نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در امور گمرکی را تدوین و ابلاغ نمایند. این دستورالعمل در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۵ با شماره ۴۶۴۴۳/ت/۵۱۵۵۹-هـ توسط هیئت محترم وزیران به تصویب رسید. دستورالعمل ۴۶۴۴۳/ت/۵۱۵۵۹-هـ اساساً به منظور تنظیم و ارتقاء فرآورده‌های صادرات و واردات مشتقات نفتی و فرآورده‌های نفتی تصویب شده است. این دستورالعمل به ویژه بر شفافیت، کاهش فساد و ارتقاء کارایی در بخش تجارت خارجی تمرکز دارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد این دستورالعمل، تسریع در فرآورده‌های گمرکی، بهبود کیفیت کنترل‌های فنی و مقررات تجارت خارجی است که تأثیر زیادی بر بهبود جریان تجارت نفتی و کاهش قاچاق فرآورده‌ها خواهد داشت. از زمان تصویب این دستورالعمل در سال ۱۳۹۵، اصلاحات و بازنویسی‌هایی در آن صورت گرفته است. این اصلاحات به طور عمده برای هماهنگی با تغییرات جهانی و نیازهای داخلی و همچنین انطباق با استانداردهای جدید تجاری انجام شده است. بازنگری در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ از این منظر نشان‌دهنده تطابق با تحولات اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی و داخلی بوده است. اصلاحات صورت گرفته در سال‌های مختلف با توجه به نیاز به بهبود زیرساخت‌های گمرکی و مدیریت بهینه منابع نفتی صورت گرفته است. به‌طور خاص:

۱- اصلاحات ۱۳۹۶: در این سال، دستورالعمل به منظور ایجاد سازوکارهای جدید برای مبارزه با فساد و بهبود شفافیت در فرآورده‌های گمرکی بازنویسی شد.

۲- اصلاحات ۱۳۹۸: تمرکز این اصلاحات بر تسریع فرآورده‌های اجرایی و کاهش هزینه‌های اداری برای تجار و صادرکنندگان بود. همچنین قوانین و مقررات گمرکی و مالیاتی جدیدی برای تسهیل فعالیت‌های تجاری در این حوزه وضع شد.

۳- اصلاحات ۱۴۰۱: در سال ۱۴۰۱، این دستورالعمل به ویژه بر هم‌راستایی با استانداردهای بین‌المللی و ارتقاء امنیت فرآورده‌های تجاری تمرکز داشت.

بر اساس بند الف ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی، هرگونه تخلف از مقررات این دستورالعمل به‌عنوان قاچاق کالا محسوب می‌شود. طبق این بند، کالاهایی که از مسیر غیرمجاز یا بدون انجام

تشریفات گمرکی وارد کشور یا از آن خارج شوند یا در داخل کشف گردند نیز قاچاق محسوب می‌گردند. در بند چ ماده ۱ قانون امور گمرکی، تشریفات گمرکی به‌طور دقیق تعریف شده است و به معنای کلیه عملیاتی است که در اجرای مقررات گمرکی انجام می‌شود. همچنین، بند گ ماده ۱ قانون مذکور مقررات گمرکی را این‌گونه تعریف می‌کند: «قوانین و مقررات اعم از آیین‌نامه‌های اجرایی، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی که نظارت یا اجرای آن به گمرک واکگذار گردیده است.» علاوه بر این، طبق ماده ۲ قانون امور گمرکی، گمرک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان سازمانی دولتی تابع وزارت امور اقتصادی و دارایی، نقش محوری و هماهنگ‌کننده در مبادی ورودی و خروجی کشور ایفا می‌کند. این سازمان مسئول اعمال حاکمیت دولت در اجرای قانون امور گمرکی و سایر قوانین مربوط به صادرات، واردات، و ترانزیت کالاهاست. همچنین، مجازات قاچاق بر مبنای ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعمال می‌شود. این ماده به‌طور ویژه مجازات‌هایی را برای کسانی که در زمینه قاچاق کالا و ارز تخلف می‌کنند، تعیین کرده است. در نتیجه، تخلف از مقررات گمرکی که در دستورالعمل‌های ذکر شده آمده، می‌تواند منجر به مجازات‌های قانونی طبق این قوانین شود و بر فرآیند تجاری و اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد.

نتیجه‌گیری

تجربه کشورهای صنعتی و پیشرو در حوزه فرآورده‌ها و مشتقات نفتی نشان می‌دهد که «نظام بهینه کنترل زنجیره تأمین» در این صنعت باید بر اساس طراحی لجستیک و کنترل هوشمند بنا شود تا شفافیت در فرآیندهای تولید، توزیع، و فروش تضمین شود. هر زنجیره تأمین یک ساختار و محتوای مشخص است. نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در ایران دارای ساختار و محتوا است. ساختار این زنجیره شامل تشکیلات اداری، زیرساخت‌های لازم، اشخاص دارای مجوز فعالیت در زنجیره تأمین، شبکه‌های توزیعی تعریف شده و سامانه‌های هوشمند برای کنترل فرآورده‌ها است. محتوای زنجیره تأمین مشتمل بر مقررات و ضوابطی است که غالباً کلیات آن توسط قانون‌گذار و جزئیات توسط دولت تعیین می‌شود. حفظ و امنیت نظام کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی متوقف بر حمایت نظام عدالت کیفری است؛ بدون دخالت کیفری، تنها به مجموعه‌ای از قواعد غیرالزامی خواهیم رسید. یک نظام بهینه نیازمند دخالت‌های کیفری مناسب است تا ضمانت اجراهای لازم برای بازدارندگی از نقض مقررات داشته باشد. ارزیابی مداخله‌های کیفری در ایران حاکی از خلأهای زیادی است که به عدم تحقق اهداف اولیه منتهی شده است. کیفیت جرم‌انگاری در بخش فرآورده‌ها و مشتقات نفتی نیز در طول زمان نزول

کرده است. قوانین جدید، از جمله قوانینی که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده‌اند، نسبت به گذشته عقب‌گرد داشته و نیازمند بازنگری اساسی با معیارهای روز و تخصصی هستند. علاوه بر این، عدم همکاری و هماهنگی میان نهادهای اجرایی و قضایی موجب کاهش اثربخشی قوانین در حوزه فرآورده‌های نفتی شده است. ضعف در استفاده از فناوری‌های نوین نظارتی و فقدان شفافیت کافی نیز از جمله چالش‌های قابل توجه در این زمینه هستند. شناسایی و مسدودسازی فعالیت‌های غیرقانونی در زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی مستلزم اصلاحات جدی در زیرساخت‌های نظارتی و قانونی است. به‌ویژه، بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها و پیش‌بینی ضمانت اجرای متناسب با ماهیت اقتصادی این حوزه می‌تواند گامی مؤثر در بهبود شرایط موجود باشد. بازبینی قوانین و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته باید به‌عنوان اولویت‌های کلیدی در این حوزه در نظر گرفته شوند تا علاوه بر صیانت از منافع ملی، زمینه توسعه پایدار فراهم شود.

به طور کلی، حمایت کیفری از زنجیره تأمین فرآورده‌ها و مشتقات نفتی از طریق مداخلات کیفری تقنینی، با وجود ایرادات ماهوی و شکلی برخی از مواد قانونی مربوطه، همچنان با مشکلات جدی در تکمیل زیرساخت‌های کنترل این زنجیره مواجه است. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، عدم تکمیل و انسجام سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند مورد نیاز برای نظارت بر فرآیند تأمین و توزیع فرآورده‌های نفتی است. علاوه بر این، عدم اتصال کامل سامانه‌های قانونی به یکدیگر و عمل کردن جزیره‌ای دستگاه‌های اجرایی در انجام وظایف قانونی خود، منجر به کاهش کارایی این قوانین شده است. همچنین، اهمال و تعلل در اجرای وظایف محوله، باعث عدم تحقق کامل اهداف قانون‌گذار در زمینه ایجاد نظام هوشمند کنترل زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی شده است. برای نمونه، اجرای ضمانت اجرای ناشی از حمایت کیفری در بسیاری از موارد بستگی به تکمیل زیرساخت‌های سامانه‌ای دارد. این مشکل مشابه به وضعیت‌هایی است که در آن‌ها تخلفات مرتبط با قاچاق فرآورده‌های نفتی یا عدم رعایت الزامات قانونی در سامانه‌های الکترونیکی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در صورت عدم فراهم بودن زیرساخت‌ها، رسیدگی به این تخلفات عملاً غیرممکن است.

در نهایت، مهم‌ترین پیشنهادات راهبردی جهت اصلاح نظام حقوقی موجود به شرح ذیل است:

۱. بازنگری و روزآمدسازی مقررات کیفری مرتبط با فرآورده‌های نفتی و

اقتضائات ذاتی آن: پیشنهاد می‌شود قوانین و مقررات مربوط به کنترل زنجیره تأمین و

حمایت کیفری از این حوزه با توجه به تحولات فناورانه و اقتصادی به‌روزرسانی گردد و در تدوین آن‌ها از نظر صاحب‌نظران تخصصی و تجربیات کشورهای پیشرو بهره گرفته شود. بدیهی است هریک از موضوعات حقوقی؛ از جمله فرآورده‌های نفتی، ضمن

بهره‌گیری از قواعد عمومی حقوقی، دارای اقتضائات و ضوابط منحصر به فردی است که باید توسط نهادهای ضابطه‌گذار در نظر گرفته شود.

۲. تکمیل و یکپارچه‌سازی سامانه‌های هوشمند و الکترونیک: لازم است

زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش نظارت بر زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی توسعه یافته و سامانه‌های مختلف مرتبط با نهادهای اجرایی و نظارتی به صورت یکپارچه به یکدیگر متصل شوند تا نظارت جامع، شفاف و کارآمد فراهم گردد.

۳. ارتقاء همکاری و هماهنگی بین نهادهای اجرایی و قضایی: با تشکیل

کارگروه‌های تخصصی و تعریف سازوکارهای مشخص همکاری میان دستگاه‌های ذی‌ربط، باید از اقدامات جزیره‌ای و موازی جلوگیری و تعامل میان قوا و مؤسسات تقویت شود.

۴. توسعه آموزش تخصصی و ارتقاء سطح دانش کارکنان: برگزاری دوره‌های

آموزشی تخصصی برای نیروهای اجرایی، قضایی و نظارتی با هدف ارتقاء دانش، آگاهی و مهارت‌های لازم در زمینه کنترل قاچاق و استفاده بهینه از سامانه‌های هوشمند، امری ضروری است.

۵. پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر و متناسب با ماهیت جرائم اقتصادی: لازم

است قوانین کیفری به گونه‌ای بازنگری شود که ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده، متناسب با ماهیت جرائم اقتصادی و تخلفات در حوزه زنجیره تأمین فرآورده‌های نفتی بوده و نقش بازدارندگی مطلوبی ایفا نماید.

۶. حمایت از نوآوری و استفاده از فناوری‌های پیشرفته: حمایت و تسهیل ورود

فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین، اینترنت اشیا (IoT) و سامانه‌های ردیابی لحظه‌ای می‌تواند شفافیت و ایمنی را در فرآیند تأمین و توزیع فرآورده‌های نفتی افزایش دهد.

۷. ارزیابی مستمر اثربخشی قوانین و سامانه‌ها: انجام ارزیابی‌ها و بازنگری‌های

دوره‌ای در مقررات و عملکرد سامانه‌های نظارتی و کیفری، به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف و اصلاح مستمر ساختارهای موجود الزامی است.

کتابنامه

آقاجانی، زهرا (۱۳۸۶). کاربرد فناوری اطلاعات در زنجیره تأمین (لجستیک الکترونیک)، نشریه

بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۴.

بلوری، محمدابراهیم (۱۳۸۳). مدیریت زنجیره تأمین (SCM)، نشریه پژوهشگر، شماره ۱.

- پيله فروش، میثم (۱۳۹۷). راهکارهای مدیریت مصرف و قاچاق سوخت، گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۳۵۶.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). شرایط مشروعیت (با نگاهی انتقادی به قانون مجازات اسلامی)، چاپ سوم، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خان‌علی‌پور، سکینه (۱۳۸۹). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گیلان، دانشگاه گیلان.
- صاحبی، هادی؛ بنشاسته، آرزو؛ جبل‌عاملی، محمدسعید (۱۳۹۹). طراحی زنجیره تأمین تاب‌آور در صنعت نفت تحت ریسک‌های عملیاتی و اختلالی: مطالعه موردی، نشریه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال ششم، شماره ۱۹.
- فیروزمنش، افشین (۱۳۸۸). نقش مداخله کیفری در توسعه اقتصادی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
- کلارک، آر. وی. (۱۳۸۸). جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ روش و راهبرد برای پیشگیری از جرم). ترجمه توسط مقیمی، مهدی و مهدیه تقی‌زاده، انتشارات زرد، تهران.
- گروهی از نویسندگان (شورای اروپا) (۱۳۸۴). گزارش جرم‌زدایی اروپا، ترجمه افشین فیروزمنش، علی شایان، حمید بهره‌مندبگ‌نظر، مصطفی جلالی، انتشارات سلسبیل، چاپ اول.
- گسن، ریموند (۱۳۷۴). جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات مجد، چاپ اول.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۷). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، چاپ سوم.
- محمودی جانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۲). توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲). اصول، مبانی و روش‌های جرم‌انگاری، رساله دکتری در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- مصدق‌خواه، مسعود، امام، محمدرضا (۱۳۷۹). بررسی رشته‌های علوم لجستیک در جهان (قسمت سوم)، نشریه مدیریت زنجیره تأمین، دوره ۲، شماره ۳.
- معصوم‌زاده، ناصر (۱۳۹۷). نقش دولت الکترونیک در چابکی و سلامت سازمانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، آذربایجان غربی، دانشگاه آزاد اسلامی ماکو.
- گزارش شاخص ادراک فساد سال ۲۰۱۷، در دسترس در : <http://www.transparency.org/cpi>. مراجعه شده در ۲ سپتامبر ۲۰۱۹.
- قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲، اصلاحات ۱۳۹۴)
- قانون اصلاح ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۴۰۱/۶/۳۰

قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی

قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۰۱/۰۳/۱۴۰۳ مجلس شورای اسلامی

قانون تشدید مجازات اخلالگران نظام اقتصادی مصوب ۱۴۰۲/۵/۱۸

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی

کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۰۲/۰۳/۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی

اصلاحیه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۱

آیین‌نامه اجرایی سامانه نظارت الکترونیک بر توزیع سوخت (مصوب هیئت وزیران به شماره ۱۳۸۱/۵/۲۰ ت/۵۰۴۷ هـ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۰)

آیین‌نامه اجرایی مواد (۵) و (۶) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۰۶/۰۴/۱۳۹۵ هیئت وزیران

آیین‌نامه جرمه متخلفان سوخت‌رسانی مصوب ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ وزارت نفت

آیین‌نامه نظارت بر توزیع فرآورده‌های نفتی مصوب ۱۴۰۱/۵/۱۰ هیئت وزیران

بخشنامه مقابله با قاچاق سوخت در مرزها مصوب ۱۴۰۱/۹/۱ فرماندهی انتظامی کل کشور

دستورالعمل اجرایی سامانه رهگیری سوخت مصوب ۱۴۰۲/۲/۱ وزارت نفت و ستاد مبارزه با قاچاق

بخشنامه گمرک در خصوص ابلاغ اصلاحیه دوم دستورالعمل اصلاح و بهبود (ساماندهی) فرآیندهای صادرات، واردات، عبور (ترانزیت) و معاوضه (سو آپ) نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در امور گمرکی (اصلاحیه اردیبهشت ماه ۱۴۰۱) مصوب ۰۳/۰۷/۱۴۰۱ گمرک ایران

دستورالعمل تبصره ۴ الحاقی ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (تصویب نامه شماره ۱۳۸۸۶۴ ت ۵۲۹۷۱ هـ تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۹ و اصلاحی به شماره ۱۰۶۶۸۹ ت ۵۵۶۷۹ تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۴ هیئت وزیران)

دستورالعمل رسیدگی به تخلفات پمپ‌بنزین‌ها مصوب ۱۴۰۲/۷/۳ سازمان تعزیرات حکومتی

دستورالعمل ماده ۴۴ آیین‌نامه مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

مصوبه شماره ۱۰۶۶۸۹ ات ۵۵۶۷۹ هـ مورخ ۱۴/۸/۱۳۹۷ هیئت دولت در خصوص اصلاح

دستورالعمل تبصره ۴ الحاقی ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

Klein SR. Redrawing the criminal-civil boundary, Buffalo Criminal Law Review. California: University of California Press; 1999. Vol.2 p.136

Tsay AA, Nahmias S, Agrawal MN. Modeling Supply Chain Contracts: A Review in Quantitative Models for Supply Chain Management. Norwell: Kluwer Academic Publishers; 1999. P.299-336, 302.

Handfield RB, Nicolas JR. Introduction to Supply Chain management. New Jersey: Prentis Hall, Upper saddle River; 1999. p.68.

Lazaros G. Papa Georgiou. Strategic Supply Chain Optimization for the Pharmaceutical Industries. Washington D.C.: American Chemical Society, 2001, p. 275-286.

Cockburn R, Newton PN, Agyarko EK, Akunyili D, White NJ. The Global Threat of Counterfeit Drugs: Why Industry and Governments Must Communicate the Dangers. PLoS Med 2005; 2(4): 302-308.

<https://iranfocus.com/general/51914-12-million-liters-of-fuel-smuggled-out-of-iran-every-day>

<https://www.iea.org/countries/iran>

<https://www.transparency.org/en/countries/iran>

<https://energypress.ir/en/dimensions-of-the-fuel-smuggling-crisis-in-iran/>

<https://www.epl.irica.gov.ir>

<https://www.mehrnews.com/news/4386182>